

کتاب دانیال - شماره چهل و نه

افشای حقایق: ندای نیمه‌شب، نقش اسلام و فرایند امتحان نهایی در روزهای آخرالزمان

Jeff Pippenger

2024-01-13

افزایش دانشی که با مهرگشایی رؤیای رود اولای در سال ۱۷۹۸ پدید آمد، فرایند امتحانی‌ای را به وجود آورد که اوج خود را در جنبش فریاد نیمه‌شب در سال ۱۸۴۴ یافت. فریاد نیمه‌شب ایام آخر، که اکنون مهر آن گشوده می‌شود، در همان تاریخ به تصویر کشیده شده و همان حقایق امتحانی آن تاریخ را دربر می‌گیرد، زیرا پیام فریاد نیمه‌شب‌ی که اکنون در حال گشوده‌شدن است، احیای جواهرات میلر است.

حقایقی که در سال‌های ۱۸۴۱، ۱۸۴۲، ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ دریافت کردیم، اکنون باید مورد مطالعه قرار گیرند و اعلام شوند. پیام‌های فرشتگان اول، دوم و سوم در آینده با صدای بلند اعلام خواهند شد. آن‌ها با عزمی راسخ و در قدرت روح ابلاغ خواهند شد. Manuscript Releases، جلد ۱۵، صفحه ۳۷۱.

موضوع اصلی پیام نبوی فریاد نیمه‌شب زمان ما، نقش اسلام در وای سوم است. سه وای اسلام همگی بر دو لوح حقوق بازنمایی شده‌اند. پیام فریاد نیمه‌شب روزهای آخر، از هنگام سرخوردگی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، وقتی زمان تأخیر روزهای آخر فرارسید، آغاز به گشوده‌شدن کرد. همان‌گونه که پیام فریاد نیمه‌شب در تاریخ جنبش میلر، این پیام نیز به تدریج بسط می‌یابد تا به نقطه‌ای برسد که گردهمایی اردوگاهی اکستر نمایانگر آن است. در آن نقطه، دوشیزگان یا روغن دارند، یا ندارند.

گفته اشعیا درباره «وای» بر مردان استهزاگری که بر قوم اورشلیم حکومت می‌کنند، نشان می‌دهد که رؤیا برای میگساران افرایم همچون کتابی مهر و موم‌شده شده است. در آن بخش از اشعیا، کار تبدیل نمادی شیطانی به نمادی الهی، چنان‌که در تاریخ ادونتیسیم انجام شده، به سان گل کوزه‌گر شمرده می‌شود. آن کار، تثبیت تعریف «دائمی» به عنوان نمادی از مسیح بود، حال آن‌که آن نمادی از شیطان است. وقتی دانیال واژه «tamid» را به عنوان نمادی از بت‌پرستی به کار برد، آن واژه را برای منظوری نمادین برگزید، زیرا این واژه به معنای «پیوسته» است.

سه قدرت وجود دارد که جهان را به سوی آرماگدون سوق می‌دهند، و نخستین آن سه قدرت اژدها (بت‌پرستی) است. اژدها جنگ خود را در آسمان علیه خدا آغاز کرد. اژدها آن جنگ را تا پایان هزاره هزار ساله ادامه می‌دهد، هنگامی که سرانجام نابود می‌شود.

و چون هزار سال به پایان رسد، شیطان از زندانش رها خواهد شد، و بیرون خواهد آمد تا ملت‌هایی را که در چهار گوشه زمین اند، یعنی جوج و ماجوج، بفریبد تا آنان را برای جنگ گرد آورد؛ که شمارشان چون ریگ‌های دریاست. و بر پهنه زمین پیش رفتند و اردوگاه مقدسان و شهر محبوب را در محاصره گرفتند؛ و آتشی از جانب خدا از آسمان فرود آمد و ایشان را بلعید. و ابلیسی که ایشان را می‌فریفت به دریاچه آتش و گوگرد افکنده شد، آنجا که وحش و نبی کذاب هستند، و ایشان شبانه‌روز تا ابدالآباد معذب خواهند شد. مکاشفه ۷:۲۰-۱۰.

وحش (دستگاه پاپی)، دومین سه قدرتی که جهان را به آرماگدون می‌کشاند، و پیامبر دروغین (ایالات متحده)، سوم آن سه قدرت، هر دو پس از واقعه صلیب در تاریخ پدیدار شدند و هر دو در بازگشت دوم مسیح نابود می‌شوند.

و آن وحش دستگیر شد، و با او نبی دروغینی که در حضورش معجزاتی می‌کرد و به وسیله آنها کسانی را که نشان وحش را پذیرفته بودند و نیز کسانی را که تمثال او را می‌پرستیدند، فریب داد. این هر دو زنده به دریاچه آتش که با گوگرد می‌سوزد افکنده شدند. مکاشفه ۱۹:۲۰.

هنگامی که دانیال واژه عبری «پیوسته» را به عنوان نمادی از بت‌پرستی (شیطان) برگزید، واژه‌ای را انتخاب کرد که نشان می‌داد این شیطان است که پیوسته با خدا جنگیده است. دو قدرت دیگر تنها در دوره‌های زمانی مشخصی در جنگ خود علیه خدا فعال‌اند. انتخاب دانیال برای واژه «tamid» (پیوسته) هدفمند و دقیق بود.

در حالی که روایت اشعیا از وای بر آنان که خداوند روح خواب سنگین را بر ایشان فرو ریخت و چشمانشان را بست، از فصل بیست‌وهشت تا فصل سی ادامه می‌یابد، او چنین می‌نویسد:

اکنون برو، آن را پیش روی ایشان بر لوحی بنویس، و در کتابی ثبت کن، تا برای آیندگان تا ابدالآباد بماند: که این قوم سرکش است، فرزندان دروغگو، فرزندان که شریعت خداوند را نمی‌شنوند؛ که به بینایان می‌گویند: مبینید؛ و به پیامبران: برای ما چیزهای راست نبوت مکنید، سخنان نرم و دلپسند بگویید، فریب‌ها را نبوت کنید؛ از راه دور شوید، از مسیر منحرف گردید، کاری کنید قدوس اسرائیل از برابر ما دور شود. بنابراین، چنین می‌گوید قدوس اسرائیل: چون این کلام را خوار شمردید و بر ستم و کژی اعتماد کردید و بر آن تکیه نمودید، از این رو این گناه برای شما چون شکافی خواهد بود آماده فروریختن، برآمده در دیواری بلند، که شکستنش ناگهان در یک لحظه فرا می‌رسد. و آن را خواهد شکست مانند شکستن ظرف سفالگر که ریز ریز می‌شود؛ رحم نخواهد کرد، چنان‌که در شکستگی آن پاره‌سفال‌ی یافت نشود تا از اجاق آتشی برگیرند یا از چاه آبی برکشند. زیرا خداوند خدا، قدوس اسرائیل، چنین می‌گوید: در بازگشتن و آرام گرفتن نجات خواهید یافت؛ آرامی و اعتماد قوت شما خواهد بود، اما شما نخواستید. اشعیا 8:30-15.

«لوح» نوشته شده همان «لوح‌ها»ی باب دوم حبقوق است که طوری مقرر شده بودند که هر که آنها را می‌خواند بتواند «بدود» و پیام را منتشر کند. «کتابی» که از آن «لوح» «ذکر» کرده، حبقوق است. «لوح» مذکور در «کتاب» حبقوق نمایانگر فرایند آزمونی است که «قوم سرکش، فرزندان دروغگو، فرزندان که شریعت خداوند را نمی‌شنوند» را آشکار می‌کند. «قوم سرکشی» که از «شنیدن» امتناع می‌کنند، همان کسانی‌اند که در ارمیا از شنیدن صدای شیپور دیدبان امتناع می‌کنند.

همچنین بر شما دیده‌بانانی گماشتم تا بگویند: «به صدای کرنا گوش فرا دهید.» اما آنان گفتند: «گوش نخواهیم داد.» ارمیا ۱۷:۶.

سرکشان همان کسانی‌اند که در تاریخ اشعیا و نیز در تاریخ مسیح، حاضر به شنیدن نبودند.

و او گفت: برو و به این قوم بگو: به راستی می‌شنوید، اما نمی‌فهمید؛ و به راستی می‌بینید، اما در نمی‌یابید. دل این قوم را فربه کن، گوش‌هایشان را سنگین کن، و چشمانشان را ببند؛ مبادا با چشمان خود ببینند، و با گوش‌های خود بشنوند، و با دل خود بفهمند، و بازگردند و شفا یابند. اشعیا ۶:۹، ۱۰.

یاغیان که اشعیا می‌توانند «بشنوند»، اما «نمی‌شنوند»، و امتناعشان از «شنیدن» نشان می‌دهد که «نمی‌فهمند». این شریران دانیال‌اند که همان دوشیزگان نادان متی نیز هستند، که افزایش معرفتی را که بر «لوح»ی که در «کتاب» حبقوق یاد شده، نشان داده شده است، درک نمی‌کنند. اگر یاغیان که اشعیا می‌شنیدند، می‌توانستند بازگشت کنند و شفا یابند، اما دلشان سنگین است، از این رو پیام فریاد نیمه‌شب را نمی‌فهمند. عیسی نیز درباره یاغیان کر گواه دومی ارائه کرد.

پس شاگردان نزد او آمده، گفتند: «چرا با ایشان به امثال سخن می‌گویید؟» او در پاسخ به ایشان گفت: «زیرا به شما عطا شده است که اسرار ملکوت آسمان را بدانید، اما به آنان عطا نشده است. زیرا هر که دارد، به او داده خواهد شد و افزونی خواهد یافت؛ و هر که ندارد، همان اندک را نیز که دارد از او گرفته خواهد شد. از این رو با ایشان به مثل سخن می‌گویم، زیرا با آنکه می‌بینند، نمی‌بینند؛ و با آنکه می‌شنوند، نمی‌شنوند و نمی‌فهمند. و در ایشان نبوت اشعیا تحقق می‌یابد که می‌گوید: پا گوش خواهید شنید، اما نخواهید فهمید؛ و خواهید دید، اما درک نخواهید کرد. زیرا دل این قوم کُرخت شده است، و گوش‌هایشان سنگین گشته، و چشمان خود را بسته‌اند؛ مبادا روزی با چشمان خود ببینند و با گوش‌های خود بشنوند و با دل خود بفهمند و بازگشت کنند و من ایشان را شفا دهم. اما خوشا به حال چشمان شما، زیرا می‌بینند؛ و گوش‌های شما، زیرا می‌شنوند. زیرا به‌راستی به شما می‌گویم، بسیاری از پیامبران و پارسایان مشتاق بودند آنچه را که شما می‌بینید، ببینند و ندیدند؛ و آنچه را که شما می‌شنوید، بشنوند و نشنیدند.» متی ۱۰:۱۳-۱۷.

خردمندان راز مثل‌ها را درمی‌یابند، حقیقتی که خط بر خط نشان داده می‌شود. خردمندان مبارک‌اند، زیرا می‌بینند و می‌شنوند، و هم خردمندان و هم مبارکان هر دو در باب دوازدهم دانیال نمایانده شده‌اند. «خردمندان» کسانی هستند که (با دل‌های خود) افزایش معرفت را که به وسیله «لوح» یادشده در «کتاب» حقوق نشان داده شده است، درمی‌یابند و «مبارکان» کسانی هستند که انتظار می‌کشند.

او گفت: راه خود را برو، ای دانیال؛ زیرا این سخنان تا زمان پایان بسته و مهر شده است. بسیاری پاک خواهند شد، سفید خواهند شد و آزموده خواهند شد؛ اما شریران به شرارت عمل خواهند کرد، و هیچ‌یک از شریران درک نخواهند کرد؛ اما خردمندان درک خواهند کرد. و از زمانی که قربانی روزانه برداشته شود و آن مکروه ویرانگر برپا گردد، هزار و دویست و نود روز خواهد بود. خوشا به حال کسی که انتظار بکشد و به هزار و سیصد و سی و پنج روز برسد. دانیال ۹:۱۲-۱۳.

پیروان میلر به درستی فهمیدند که هزار و سیصد و سی و پنج روز از زمانی آغاز شد که بت‌پرستی («دائمی») در سال ۵۰۸ «از میان برداشته شد». برکت به کسانی وعده داده شد که در سال ۱۸۴۳ انتظار می‌کشیدند. واژه «می‌آید» در آن بخش به معنای «تماس می‌یابد» است. سال ۱۸۴۳ با پایان یافتنش به سال ۱۸۴۴ «تماس یافت». وقتی سال ۱۸۴۳ به پایان رسید، «زمان درنگ» حقوق فرا رسید و بر کسانی که مطابق فرمان «کتابی» که از «لوح‌ها» یاد کرده بود انتظار کشیدند، برکتی اعلام شد. «کتاب» حقوق فرمان داد که برای رؤیا «انتظار» بکشند.

دانیال سال ۱۷۹۸ را (زمان پایان) مشخص می‌کند؛ هنگامی که کتابش مُهرگشایی شد و آنگاه فرایند آزمونی سه مرحله‌ای پدید آمد (پاک شدن، سفید شدن و آزموده شدن). آن فرایند با آشکار شدن تاریخ پنهان هفت رعد به پایان رسید. آن تاریخ پنهان همان سه نشانه راه حقیقت است که در قالب نومییدی نخستین، پیام فریاد نیم‌شب و نومییدی بزرگ نمود پیدا می‌کند. برکت رسیدن به نومییدی نخستین نمایانگر یک فرایند آزمونی سه مرحله‌ای در پایان دوره ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ است.

تاریخ ۱۷۹۸ تا نامییدی بزرگ ۱۸۴۴، الگوی تاریخ ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه قریب‌الوقوع است. برای کسانی که در انتظار رؤیایی می‌مانند که در نخستین نامییدی به درنگ افتاد، برکتی وعده داده شده است. «خردمندان» فصل دوازدهم دانیال، همان کسانی‌اند که «مبارک‌اند» و «منتظر» می‌مانند. شریران کسانی‌اند که با دل‌هایشان «نمی‌شنوند» و «نمی‌بینند». تمامی تجربه جنبش میلری در چهار آیه دانیال خلاصه شده است، و همان آیات همچنین تاریخ مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر را نمایندگی می‌کنند.

تاریخ مقدسی که در آن چهار آیه بازنمایی شده، بر فهم افزایش دانشی استوار است که بر لوح‌های حبقوق نشان داده شده است، و نیز بر افزایش دانشی که عیسی هنگام تعلیم دادن با روش «خط بر خط» آن را معرفی کرد. او تمثیل پشت تمثیل ارائه کرد تا راز نبوت را برای «خردمندان» توضیح دهد. «شروان» در دانیال دوازده نمی‌فهمند، و در دوم تسالونیکیان، فصل دو، نفهمیدن آنان به صورت نفرت از حقیقت نمایانده شده است؛ چیزی که گمراهی شدید به بار می‌آورد. حقیقتی که شروان در نامه پولس دوست نمی‌داشتند «دائمی» بود، و در چهار آیه دانیال، حقیقت نبوی‌ای که به طور مشخص شناسایی می‌شود «دائمی» است.

عیسی به شاگردان گفت که آنان مبارک‌اند، و با این کار آنان را در تقابل با کسانی در کتاب اشعیا قرار داد که از دیدن و شنیدن سر باز زدند تا مبادا توبه کنند. آنان که در دانیال باب دوازدهم مبارک خوانده شده‌اند، همان کسانی هستند که انتظار می‌کشند. چهار آیه در باب دوازدهم دانیال، و نیز تحقق آن آیات در تاریخ میلاریت‌ها، و نیز تقابل اشعیا با گروهی که از شنیدن و دیدن امتناع کردند، و همچنین همان تمایز دو دسته به وسیله مسیح، همگی به تاریخ پنهان هفت تندر که در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ فرا رسید، اشاره می‌کنند. فرایند آزمون نهایی تاریخ میلاریت‌ها که با نخستین ناامیدی آغاز شد، اکنون در حال تکرار است. برخی خواهند دید و دیگران از دیدن سر باز خواهند زد.

تمام پیام‌هایی که در سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ داده شده‌اند، اکنون باید با قوت بیان شوند، زیرا بسیاری از مردم جهت خود را گم کرده‌اند. این پیام‌ها باید به همه کلیساها رسانده شوند.

مسیح فرمود: "خوشا به حال چشمان شما، زیرا می‌بینند؛ و گوش‌های شما، زیرا می‌شنوند. زیرا هرآینه به شما می‌گویم که بسیاری از پیامبران و صالحان آرزو داشتند آنچه را شما می‌بینید ببینند و ندیدند؛ و آنچه را شما می‌شنوید بشنوند و نشنیدند" [متی ۱۳:۱۶، ۱۷]. خوشا به حال چشمانی که آنچه در سال‌های ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ دیده شد، دیدند.

پیام داده شد. و نباید هیچ درنگی در تکرار پیام باشد، زیرا نشانه‌های زمان در حال تحقق‌اند؛ کار پایانی باید انجام شود. کاری عظیم در زمانی کوتاه انجام خواهد شد. به زودی پیامی به تعیین الهی داده خواهد شد که به فریادی بلند تبدیل خواهد شد. آنگاه دانیال در نصیب خود خواهد ایستاد تا شهادت خود را بدهد. Manuscript Releases، جلد ۲۱، صفحه ۴۳۷.

ویلیام میلر به دست فرشتگان هدایت شد تا دریابد که «daily» daily نمادی از روم بت‌پرست بود. خواهر وایت مستقیماً تأیید کرد که برداشت او درست بود. آن برداشت که بر «لوح‌ها» پی که در «کتاب» حبقوق یاد شده‌اند بازنمایی شده بود، «برای زمان آینده» است. گشوده شدن مهر آن «کتاب»، «فرزندان یاغی و دروغ‌گو» را آشکار می‌کند. «فرزندان» نمادی از آخرین نسل است؛ بنابراین «زمان آینده» در بخش اشعیا به طور مشخص به روزهای پایانی داوری تحقیقی اشاره دارد.

اشعیا می‌گوید که «فرزندان دروغ‌گو» پیام نبوی نقش‌بسته بر «لوح» را که در «کتاب» یاد شده است، رد خواهند کرد، زیرا به «بینایان» می‌گویند: «مبینید» و به «پیامبران»: «چیزهای درست را برای ما پیشگویی نکنید؛ برای ما سخنان دلپذیر بگویید، فریب‌ها را پیشگویی کنید.» در سال ۱۸۶۳، ادونتیس لاولدیک روندی فزاینده را برای برآوردن درخواست فرزندان دروغ‌گو آغاز کرد. اشعیا آن کار را به منزله رد کردن راه‌های کهن بنیادهای میلاریتی معرفی می‌کند، زیرا آنان گفتند: «از راه بیرون شوید، از مسیر منحرف گردید، قدوس اسرائیل را از برابر ما بردارید.» آن راه که همان طریق است، همان راه‌های کهن ارمیاست.

چنین می‌گوید خداوند: در راه‌ها بایستید و بنگرید و از راه‌های کهن بپرسید که راه نیکو کجاست، و در آن راه بروید، و برای جان‌های خود آرامی خواهید یافت. اما گفتند: در آن نخواهیم رفت. ارمیا ۶:۱۶

ردّ «فرزندان دروغگو» نسبت به «راه‌های کهنه» ارمیا، همان ردّ پیام «فریاد نیمه‌شب» است؛ پیامی که در آن «آسایش» یافت می‌شود، و همان «آسایش و تازه‌کنندگی» ای است که در اشعیا نمی‌خواستند بشنوند، و نیز همان تازه‌کنندگی پیام «باران آخر» است. آن پیام، همان پیام «فریاد نیمه‌شب» است که در تاریخ میلری‌ها نمایان شده و بر «لوح‌هایی» که در یک «کتاب» یاد شده‌اند به تصویر کشیده شده است. ردّ «فرزندان دروغگو» نسبت به پیام «فریاد نیمه‌شب» با خواسته‌ی آنان برای اینکه «قدوس اسرائیل از پیش رویشان بازایستد» نمایانده می‌شود. نخستین رؤیای الن وایت، که آلفا و امگا بی‌گمان آن را برای نمایاندن پایان به کار می‌گیرند، راه عادلان را مشخص می‌کند، نور آغاز آن را نشان می‌نهد و روشن می‌سازد چه کسی «خردمندان» را تا پایان آن راه رهبری می‌کند.

آنها نوری درخشان داشتند که در ابتدای راه، پشت سرشان نصب شده بود؛ فرشته‌ای به من گفت این همان «فریاد نیمه‌شب» بود. این نور بر سراسر راه می‌تابید و برای پاهایشان روشنایی فراهم می‌کرد تا نلغزند.

اگر چشم‌های خود را بر عیسی که درست پیشاپیششان بود و آنان را به سوی شهر رهبری می‌کرد دوخته نگاه می‌داشتند، در امان بودند. اما دیری نگذشت که برخی خسته شدند و گفتند شهر بسیار دور است و آنان انتظار داشتند پیش از این وارد آن شده باشند. آنگاه عیسی با بلند کردن بازوی راست پرچالش آنان را دلگرم می‌کرد، و از بازوی او نوری برمی‌خاست که بر فراز گروه ظهور موج می‌زد، و آنان فریاد می‌زدند: «هللویا!» دیگران با شتاب‌زدگی نور پشت سرشان را انکار کردند و گفتند این خدا نبود که آنان را تا اینجا رهبری کرده بود. نور پشت سرشان خاموش شد و پاهایشان را در تاریکی مطلق رها کرد، و آنان لغزیدند و نشانه و عیسی را از نظر دادند و از راه به پایین، به درون دنیای تاریک و شریر زیر پا، سقوط کردند. تجربه و تعالیم مسیحی الن جی. وایت، ۵۷.

آن نور فریاد نیمه‌شب بود، در آغاز و در انجام. این عیسی (قدوس اسرائیل) بود که می‌خواستند دیگر پیش رویشان نباشد. نور بازوی راست پرچالش عیسی همان نور فریاد نیمه‌شب بود، چنان‌که بر «لوح‌ها» ای که در «کتاب» یاد شده بودند، بازنمایی شده بود. ردّ پیام فریاد نیمه‌شب مسیح از سوی «فرزندان دروغگو» - و نیز ردّ مسیری که می‌بایست بر آن گام می‌نهادند - داوری خدا را بر آنان آورد، آنگاه که از آن مسیر فرو افتادند. آن «دیوار بلند» که ناگهان شکسته می‌شود، همان «دیوار» جدایی کلیسا و دولت است که در قانون یکشنبه قریب‌الوقوع ویران خواهد شد. آن داوری «ناگهان در یک لحظه» می‌آید و «همچون شکستن ظرف سفالین کوزه‌گر که ریزریز می‌شود» خواهد بود. این همان داوری است که با وارونه‌کردن نماد شیطان «دائمی» و معرفی آن به عنوان نمادی از مسیح پیوند دارد.

حقاً شما همه‌چیز را وارونه می‌کنید، گویی کوزه‌گر همان گل است؛ زیرا آیا ساخته درباره سازنده خود می‌گوید: «او مرا نساخت»؟ یا آنچه صورت یافته است درباره صورت‌دهنده خود می‌گوید: «او فهمی ندارد»؟ اشعیا ۲۹:۱۶.

«روزانه» حقیقتی نبوی است که چهار آیه دانیال دوازده را که تمایز میان شریران و خردمندان را مشخص می‌کنند به هم پیوند می‌دهد. «روزانه» همان حقیقتی است که نزد کسانی که در دوم تسالونیکیان گمراهی شدید را می‌پذیرند منفور است. «روزانه» نمایانگر خواسته «فرزندان دروغگو» است که قدوس اسرائیل را وادارند از سر راه‌شان کنار برود. و مجازات آنان با شکستن ظرف کوزه‌گر نمایانده می‌شود، و آنچه باقی می‌ماند تصویری است از وضعیت از دست‌رفته دوشیزگان نادان؛ زیرا با تکه‌های شکسته و باقی‌مانده ظرف کوزه‌گر خردشده در آنجا، «یافت نخواهد شد» «پاره‌سفال» تا از آتشدان آتشی برگیرند، یا تا با آن از چاه آبی بردارند.»

هم «آتش» و هم «آب» نمادهای روح القدس اند، همان طور که روغن در مثل ده باکره نیز چنین است. وقتی «فریاد نیمه شب» ناگهان در یک لحظه فرا برسد، چنان که در اجتماع اردوگاهی اکستر در اوت ۱۸۴۴ رخ داد، برای «فرزندان دروغگو» یافتن هرگونه روغن (آب یا آتش) ناممکن خواهد بود. آنها پس از نخستین سرخوردگی، همان گونه که ارمیا نیز فراخوانده شد، به «بازگشت» فراخوانده شدند، اما نپذیرفتند.

کلامت را یافتیم و آن را خوردم؛ و کلام تو برای من شادی و شادمانی دل من شد، زیرا به نام تو خوانده شده‌ام، ای خداوند، خدای لشکرها. در مجلس استهزاگران ننشستم و شادمان نشدم؛ به سبب دست تو تنها نشستم، زیرا مرا از خشم سرشار ساخته‌ای. چرا درد من پیوسته است و زخم علاج‌ناپذیر، که از شفا سر باز می‌زند؟ آیا برای من کاملاً مانند دروغگو و چون آب‌هایی که خشک می‌شوند خواهی بود؟ پس خداوند چنین می‌گوید: اگر بازگردی، تو را باز می‌آورم و در حضور من خواهی ایستاد؛ و اگر گرانها را از پست جدا کنی، چونان دهان من خواهی بود؛ بگذار آنان به سوی تو بازگردند، اما تو به سوی ایشان بازنگرد. و تو را برای این قوم دیواری برنجین و استوار خواهم ساخت؛ آنان با تو خواهند جنگید، اما بر تو غالب نخواهند آمد، زیرا من با تو هستم تا تو را نجات دهم و رهایی بخشم، می‌گوید خداوند. و تو را از دست شریران خواهم رهانید و از چنگ ستمکار بازخواهم خرید. ارمیا ۱۶:۱۵-۲۱.

ارمیا نماینده کسانی است که پس از نخستین سرخوردگی بازگشتند. آنان که به کار جدا کردن "گرانها را از پست" وارد شدند تا "در برابر" خداوند بایستند و همچون "دهان" خداوند باشند. آنان همان کسانی‌اند که در باب نهم دانیال نماینده شده‌اند، زیرا وضعیت پراکندگی خود را فهمیدند و سپس دعای باب بیست‌وششم لایوان را به‌جا آوردند. آنان کسانی‌اند که در نوشته‌های دانیال و ارمیا و در "دیدبانان" حقوق نماینده شده‌اند، که در تضاد با "فرزندان دروغگو" قرار دارند. "فرزندان دروغگو" همچنین از سوی "قدوس اسرائیل" چنین مورد خطاب قرار گرفتند: "در بازگشت و آرامی نجات خواهید یافت؛ در سکوت و اطمینان، قوت شما خواهد بود؛ اما شما نخواستید."

جواهر میلر همان حقایقی‌اند که بر لوح‌های حقوق به تصویر کشیده شده‌اند؛ حقایقی که آزمون پیام «فریاد نیمه شب» را نمایندگی می‌کنند و دو دسته عبادت‌کننده پدید می‌آورند. نماز طغیانی که بر ضد آن جواهر آشکار می‌شود، «دائمی» است. میلر در فهم خود از «دائمی» دقیق بود، اما فهم او به سبب تاریخی که در آن می‌زیست محدود بود، و جواهرهایی که او عادت داشت بر روی میزی در وسط اتاقش بگذارد اکنون ده برابر درخشان‌تر از زمانی می‌درخشند که میلر نخستین بار آنها را بر میزش نهاد. آنها اکنون در صندوقچه‌ای بزرگ‌تر قرار دارند، زیرا اینک صندوقچه نه فقط کتاب مقدس را - چنان که در زمان میلر بود - بلکه هم کتاب مقدس و هم روح نبوت را نمایندگی می‌کند.

این دو شاهدند که نور امتحانی را در ایام آخر پدید می‌آورند، و همین دو شاهدند که در ایام آخر به میدان نبرد اصلی بدل می‌شوند. میلر آن نبرد را دید، زیرا در رؤیای خود دید که صندوقچه‌اش (کتاب مقدس) را گرفتند و پاره‌پاره کردند. یوحنا، که نماینده «حکیمان» در ایام آخر است، «در جزیره‌ای که پاتموس خوانده می‌شود، به‌خاطر کلام خدا و برای شهادت عیسی مسیح بود.» یوحنا به‌خاطر باور داشتن به پیام هر دو، یعنی کتاب مقدس و نوشته‌های الن وایت، مورد آزار قرار داشت.

ما بررسی حقایقی را که در رؤیای رودخانه اولای، که مهرش در سال ۱۷۹۸ گشوده شد، نمایان شده‌اند، در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

ما برای آینده هیچ ترسی نداریم، مگر اینکه راهی را که خداوند ما را در آن رهبری کرده است و تعلیمات او را در تاریخ گذشته‌مان فراموش کنیم. Life Sketches, ۱۹۶.